

بررسی کارکرد توسعه فضای شهری در الگوهای فرهنگی با رویکرد کمی (مطالعه موردی: شهر متوسط مرنند)

حوریه مقصودی^۱، مهرداد نوابخش^{۲*}، سیدمحمد سیدمیرزایی^۳، صدیقه محمداسماعیل^۴

۱- دانش آموخته دکتری جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲- استاد گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳- استاد گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۴- دانشیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

توسعه فضایی شهرها همواره با خود تغییرات و دگرگونی‌هایی را در حوزه‌های مختلف جوامع به همراه دارد. از مولفه‌های اساسی توسعه فضایی شهرها توزیع جمعیت و سکونتگاه‌های شهری است؛ نحوه استقرار سکونتگاه‌ها و همچنین توزیع جمعیت پدیده‌های قابل توجهی را به همراه دارد. از آنجا که دگرگونی‌ها و تحولات در جوامع تابعی از جمعیت و تحرکات و رفتار جمعیتی شهرها بوده است، تقسیم بندی شهرها به شهرهای بزرگ، متوسط و کوچک برای تبیین و تحلیل جامعه‌شناختی از اهمیت خاصی برخوردار است. شهرهای متوسط، در مقام تعدیل کننده فشارهای مختلف و انتقال دهنده امکانات و خدمات مختلف از شهرهای بزرگ به شهرهای کوچک و روستاها از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشند. این پژوهش به منظور بررسی پیامدهای فرهنگی توسعه فضایی شهرها در ایران انجام شد. همچنین مطالعه صورت گرفته برای این پژوهش مربوط به اطلاعات آماری سالهای ۱۳۷۵-۱۳۹۵ و مطالعه تحولات جمعیتی شهرهای متوسط طی دوره مذکور بوده و شهر متوسط مرنند مورد مطالعه قرار گرفته است. بدین منظور، با استفاده از روش پیمایش، دیدگاه‌های شهروندان و نخبگان مرنند برای هر یک از گویه‌های تعریف شده در پرسشنامه به دست آمد. اطلاعات به دست آمده از طریق تجزیه و تحلیل آماری تبیین گردید. نتایج حاصل از کاربرد آزمون‌های آماری نشان می‌دهد، توسعه فضایی شهر متوسط مرنند پیامدهایی در حوزه فرهنگ شهری به همراه داشته است.

واژه‌های کلیدی: توسعه فضای کالبدی شهر، شهر متوسط، پیامدهای فرهنگی

مقدمه و بیان مساله

از ویژگی‌های عصر حاضر شهرنشینی، افزایش جمعیت شهرها و به دنبال آن توسعه شهرهای کوچک، متوسط و بزرگ است و بدون داشتن برنامه ریزی و مدیریت کارآمد، توسعه این مراکز سکونتگاهی، امکان پذیر نیست. توسعه و گسترش شهرها و در پی آن افزایش شهرنشینی و هجوم مهاجرین روستایی به شهرها، کارشناسان امور شهری را به مطالعه بیشتر در ابعاد گوناگون توسعه مناطق و تجزیه و تحلیل زمینه‌های گوناگون مدیریت شهری واداشته است. از یک سو، پیچیدگی‌هایی در اداره شهرهای بزرگ با توجه به تراکم جمعیت وجود دارد و از سوی دیگر، شهرهای کوچک و متوسط نیز با مشکلات و مسائلی مواجه هستند که نیازمند برنامه ریزی گسترده در سطوح ملی و منطقه ای است تا از بروز مشکلات جلوگیری نماید. توسعه شهری به عنوان بخشی از دگرگونی‌های اجتماعی است، اگرچه شهر و شهرنشینی از حدود هفت هزار سال قبل از میلاد وجود داشته، اما معنای جدید و توسعه آن متعلق به دوران جدید است. شهرنشینی در دوره معاصر موجب دل مشغولی‌های بسیاری از صاحب نظران نسبت به مسائل و پیامدهای ناشی آن شده و سبب گردیده است که مسأله شهر به یکی از مسائل مهم رشته جامعه شناسی تبدیل شود. در کشورهای در حال رشد، عمده سطوح عالی خدماتی، اجتماعی و اقتصادی به شهرهای بزرگ تعلق گرفته است که با عدم پیوستگی کامل با شهرهای میانی و کوچک، انحصار این خدمات را در منطقه به دست گرفته اند و شهرهای کوچک و میانی با ارتباط ضعیف با شهرهای بزرگ و ارتباط وسیع تر با جوامع پائینتر از خود به صورت فضاهای پیرامونی، حاشیه ای و وابسته درآمده اند.

نقش شهرهای کوچک و متوسط در پیدایش شبکه شهری زنجیره‌ای است که در آن شهر کوچک یا میانی و حتی در مواردی روستاها به منظور دریافت خدمات مختلف به طور مستقیم با مادر شهر اصلی در ارتباط اند. هنگامی از شهروند سخن به میان می‌آید مقصود مجموعه ای از حقوق خصوصی و عمومی است که بر روابط اجتماعی حاکم است. شهروندی به عنوان یک پایگاه و نقش اجتماعی مدرن و فراگیر، مجموعه ای به هم پیوسته از حقوق و وظایف برابر همگانی، ناظر به احساس تعلق اجتماعی به جامعه و موثر در مشارکت همگانی، به همراه برخورداری عادلانه و منصفانه تمام اعضای جامعه از مزایا، منابع و امتیازهای فارغ از تعلقات نژادی، قومی، طبقاتی، فرهنگی و مذهبی است (توسلی و نجاتی حسینی، ۱۳۸۳ به نقل از نوابخش، ۱۳۸۵: ۱۸).

در ایران با احتساب ساده میتوان چند برابر شدن نرخ شهرنشینی طی چند دهه اخیر را تخمین زد. نتیجه ابتدایی از این روند رشد، نشانگر حرکتی ناموزون، تقلیدی و بدون بسترسازی‌های مناسب فرهنگی- اجتماعی بوده است. چنانکه ۸ شهر بزرگ بیش از ۵۰۰ هزار نفر جمعیت به تنهایی حدود نیمی از جمعیت شهرنشین کشور را در خود جای داده‌اند.

شهرستان مرند، به عنوان یکی از شهرهای متوسط در ایران هم از این قاعده مستثنی نبوده و به عنوان شهری که از نظر سلسله مراتب نظام شهری، به عنوان مرکز شناخته شده است و با ویژگی‌های مشابه، مرند نیز دارای رشدی شتابان در جمعیت و کالبد شهری است. پیامدهای فرهنگی- اجتماعی ناشی از زندگی شهری شتابان از جمله شامل موارد زیر است: حاکم شدن روابط ثانویه غالباً اقتصادی بر همه وجوه زندگی انسان، بی‌اعتمادی، احساس عدم امنیت، تنهایی، گمگشتگی، افت وفاق اجتماعی، افزایش خشونت‌های اجتماعی، عدم تحمل دیگری بواسطه حاکمیت منشهای فردگرایانه و کاهش همدلی‌ها و همبستگی‌های اجتماعی و... همگی به درجات مختلف در مناطق شهری جدید از جمله این دسته از جوامع آشکارا دیده می‌شود.

در این مطالعه بررسی وضعیت توسعه فضائی مرنده، با تأکید بر پیامدهای فرهنگی (فضای شهری، آداب و رسوم و هویت قومی، امنیت فرهنگی، تولید و مصرف کالاها و خدمات فرهنگی). مورد نظر است. هدف این مطالعه، بررسی پیامدهای فرهنگی توسعه فضای شهری در ایران در طی سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵ است که در سالهای ۹۶ و ۹۷ با مطالعه موردی شهر متوسط مرنده صورت گرفته است. در طول تاریخ، شهرها به عنوان مراکز قدرت و ثروت و خاستگاه تمدن همواره از جایگاه ویژه‌ای نزد اندیشمندان علوم مختلف برخوردار بوده، از زوایای گوناگونی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. تلاش‌های بسیاری با هدف ایجاد محیطی مطلوب جهت زیست انسان شهرنشین صورت گرفته است. در عین حال شهرها با چالش‌های مختلفی روبرو بوده‌اند، از این رو تئوری‌ها و بررسی‌های بی شماری از طرف اندیشمندان جهت چاره جویی برای مسائل و مشکلات شهرها به منظور ایجاد شهرهای جدید انجام گرفته است. نظریه‌های توسعه شهری نیز با تکیه بر یک یا چند عامل مختلف، شهرنشینی و توسعه شهرها را مورد شناخت و تحلیل قرار داده‌اند. در بین عوامل و مولفه‌های موثر در شکل‌گیری و روند توسعه شهرها، برخی عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ویژگی‌های محیط زیستی همواره بیشترین سهم را در فرآیند رشد شهرنشینی داشته‌اند.

امروزه محققین داخلی نیز مفاهیم و تئوری‌های مربوط به توسعه شهر در غرب را به کار می‌برند. تا جایی تعریف شهر علیرغم تنوع آن، در ایران و غرب یکی است. به این معنا که شهر، مکانی با تشخیص از نظر جمعیت و دارای مرکزیت اداری - سیاسی - تاریخی است که در آن فعالیت اصلی مردم غیر کشاورزی است و دارای مختصات شهری بوده که از طریق دولت محلی اداره می‌شود، اما در ایران با توجه به بافت‌های سنتی شهرها همچنان تفاوت بسیاری با شهرهای غربی به چشم می‌خورد. علیرغم نفوذ مدرنیته غرب در ایران، هنوز توسعه سنتی شهرها از نفوذ و قدرت زیادی برخوردارند و به دلیل ویژگی‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... شهرها در ایران همچنان چالش‌های بسیاری را پیش رو دارد. فرآیند شهری شدن در کشورهای در حال توسعه بویژه خاورمیانه و ایران، اجتناب‌ناپذیر و بسیار شتابزده صورت گرفته است. در ایران طی نیم قرن نرخ شهرنشینی چندین برابر شده است. براساس سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۳۵ جمعیت ایران برابر با ۱۸۹۵۴۷۰۴ نفر که حدود ۶ میلیون نفر آن را جمعیت شهرنشین تشکیل میدادند (۳۷ درصد کل جمعیت) و این جمعیت براساس سرشماری^۱ سال ۱۳۹۵ برابر با ۷۹۹۲۶۲۷۰ نفر بود که بالغ بر ۵۹ میلیون نفر آن شهرنشین است (۷۴ درصد کل جمعیت). نتیجه ابتدایی از این روند رشد، نشانگر حرکتی ناموزون و شاید تقلیدی و بدون بسترسازی‌های مناسب فرهنگی - اجتماعی بوده است. بسیاری براین باورند که گسترش شهرنشینی و مهاجرت بی‌رویه به شهرهای بزرگ، الگوی فضایی شهرها را دستخوش تحولات نامتعادل کرده است. از دست رفتن بعد انسانی، فضای شهری و بافت سنتی شهری از جمله پیامدهایی است که به دنبال آن رخ داده است. در گذشته، با تقسیم مناطق مسکونی به محله‌های گوناگون، افراد با علایق یا سوابق یکسان در محلات گرد می‌آمدند. تقسیم محلات براساس تفاوت‌هایی در زمینه‌های قومی، مذهبی، حرفه‌ای و شغلی با مبدأ شهری و روستایی بود. روح جمعی حاکم بر محله، اعضا و ساکنان را به یکدیگر پیوند می‌داد. در پرتو مشترکات درونی، مردم محلات نوعی پیوند نزدیک و علاقه خاصه به محله‌شان احساس می‌کردند. مرکز محله مظهر بیشترین تماس‌ها و تجمع افراد محسوب می‌شد. چنانکه در گذشته‌ها نیز

۱ آمارهای درج شده مربوط به سرشماری‌ها در تمام بخش‌های این پایان‌نامه از سایت مرکز آمار ایران استخراج گردیده است.

سابقه داشته است هر محله در تأمین نیازهای خدماتی و اجتماعی دارای نظامی نیمه مستقل بود و تمامی خدمات مورد نیاز اهالی را در خود جای می داد و بهترین دسترسی ها را برای اهالی فراهم می کرد. مرکز هر محله همواره فضایی برای تجمع و گذران اوقات فراغت اهالی محل به شمار می رفت (باقری، ۱۳۸۸: ۶۷-۷۲).

برخی از پژوهش های انجام شده، با توجه به رشد شتابان شهرنشینی، علل رشد شهرها، مکانیزم و چگونگی تحولات آن را بررسی کرده و به پیامدهای ناشی از گسترش شهرنشینی که در زبان میلور^۱ از آن به «مسائل شهری» تعبیر شده است، مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. بر اساس یافته های این پژوهش ها، گرایش لجام گسیخته به شهرنشینی در ایران و مهاجرت های پی در پی، موجبات نابسامانی اجتماعی را فراهم آورده است. تبعات این مساله به صورت حاشیه نشینی گسترده، انبوهی فقر شهری و فقدان هویت فرهنگی و انحطاط اخلاق شهروندی قابل رویت است.

از آنچه گذشت چنین بر می آید که فرهنگ بستر اصلی این تحولات بوده است. یافته های تاریخی نشان می دهد که همواره فرهنگ به عنوان یکی از عوامل شکل دهنده به سکونتگاه ها و مکان یابی انسان مورد توجه بوده است و فرهنگ دستخوش تغییر و تحولات مستمر بوده است. برخی از تغییرات در فرهنگ متأثر از تغییرات کالبدی شهرها دارای کارکردهای مثبت و برخی نیز جنبه ها و کارکردهای منفی را در پی داشته اند که تاثیرات آنها نیز در هماهنگی و توازن یا عدم هماهنگی و عدم توازن با ارزش ها و نیازهای بشر وارد جنبه های اساسی جوامع گردیده است. تاثیراتی که فضای شهری بر فرهنگ میگذارد برخی اوقات زندگی انسان را به سویی پیش میبرد که گاه تصور میشود شرایط در گذشته بهتر بوده است. یکی از عوامل عمده ای که امروزه متخصصین بر آن بسیار تاکید می کنند فضای شهری به عنوان بستری برای تعامل شهروندان است. به نظر میرسد در اکثر شهرهای امروزی نبود فضاهای باز شهری و مکانهایی که افراد بتوانند ملاقات و تعامل موثر داشته باشند موجب گسست اجتماعی و بیگانگی در شهرها شده است. از سوی دیگر به نظر میرسد در شهرهای ایران با تغییرات صورت گرفته محله، جامعه محلی و سایر مفاهیم مرتبط با آنها، بسیار کمرنگ شده و بسیاری از آداب و رسوم از بین رفته است. بدون شک تاثیر عواملی از قبیل ارتباطات و مسائل اقتصادی در این تغییرات فرهنگی دخیل بوده اند (خستو، ۱۳۹۵: ۳۲). پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخ این پرسش اساسی است که توسعه فضایی شهر متوسط مرنند، چه پیامدهایی در ساختار فرهنگی ساکنین این شهر داشته است؟ این پژوهش به بررسی تطبیقی نظرات شهروندان و نخبگان یا صاحب نظران شهر مرنند پرداخته است.

ادبیات تحقیق

شهر متشکل از یک یا چند بنای مسکونی جدا از یکدیگر است، اما به طور نسبی یک زیستگاه بسته است. اگر شهر از نظر اقتصادی تعریف شود؛ شهر زیستگاه ساکنانی است که در درجه اول از راه بازرگانی و نه کشاورزی زندگی میکنند. با افزودن نوعی دتنوع در انجام معاملات به ویژگی شهر، تعریف بهتری از شهر ارائه میشود. به عبارتی محلی که با وجود املاکی که به صورت فتودالی اداره میشود و هم وجود بازار به عنوان مکان مبادله ثروت. اما از دیدگاه وبر «شهر» به مثابه مکانی که دارای «گروه شهروندی مشترک» است یک پدیده عمومی است که فقط در «باختر» پیدا میشود. از نظر وبر

زیستگاهی که به معنای کامل تشکیل «گروه شهروندی مشترک» را بدهد باید نسبت به مکانها یا زیستگاههای معین دیگر، از نفوذ و برتری نسبی در ارتباطات مبادله ای - تجاری برخوردار بوده و دارای نشانه‌های زیر باشد:

۱) برج و بارو؛

۲) بازار؛

۳) دادگاه مستقل و برخوردار از قوانین داخلی مستقل؛

۴) یگانگی و هماهنگی؛

۵) استقلال داخلی و قدرت اداره امور به وسیله کارگزارانی که برگزیده بورژواها باشند (ویر، ۱۳۹۳: ۱۲۱).

همچنین، شهرنشینی فرآیندی است که در آن تغییرات اجتماعی، نوگرایی و تمرکز جمعیت صورت می‌گیرد. «بررسی تحولات شهرنشینی کشورها نشان می‌دهد که کلان‌شهرهای محدودی بخش عمده‌ای از جمعیت مناطق شهری و امکانات توسعه اقتصادی کشور را به خود جلب و جذب نمودند و چون زیرساخت‌های آماده‌ای وجود نداشت لذا تبعات اقتصادی اجتماعی ناخواسته فراوانی را بر نظام اجتماعی این کشورها تحمیل کرده است. زیرا در محیط شهر سازمان اجتماعی، نوع احساسات، ذهنیات و نظام معیشت با جوامع پیشین تفاوت اساسی پیدا می‌کند» (گی‌روشه، ۱۳۷۵: ۹۵-۸۵). شهرنشینی فرد را مجبور می‌کند که به عضویت در گروه‌های اجتماعی روی آورد. که زیمیل آن را گروه می‌نماید. «تنش میان گروه نخستین و دومین در شهر بروز می‌نماید» (فیالکوف، ۱۳۸۳: ۶۷) این مکانیسم‌ها راهبردهای حمایتی‌ای است که زیمیل برای انسان شهری ترسیم می‌نماید. سنخ‌های اجتماعی در دنیاهای شهری متفاوتی زندگی می‌کنند. زیمیل فرد در شهر را با ویژگی‌هایی همچون، فردگرایی تصور می‌کند که زیر فشار نیروهای مختلف درگیر احساس نامطبوعی است که او را به گوشه‌گیری و فاصله از دیگران کشانده است. زیمیل تلاش می‌کند تأثیر شهر را بر روان‌شناسی جمعی جمعیت نشان دهد. زیرا انسان در شهر از تعلقات پیش‌شهری و سنتی آزاد شده و هویتی فردی می‌یابد. بحث زیمیل از این منظر به انسان در شهر، حرکتی را در مکتب شیکاگو ایجاد نمود که پس از او به حوزه فرهنگ‌های شهری و دسته‌های شهری منجر شد. (فکوهی، ۱۳۸۸: ۷۵) شهرها دارای مناطق مرزبندی شده اقلیتی نیز هستند. در همین راستا بحث گتو^۱ مطرح می‌شود. ویرث^۲، گتو را در نهایت عبارت میداند از اعطای حق سکونت به جماعتی از لحاظ قومی و دینی همگن که با درونی کردن فشارها، موجه بودن جداماندگی‌اش را به رسمیت می‌شناسد. (فیالکوف، ۱۳۸۳: ۷۴) توسعه فرآیندی چند بعدی است که در جریان آن تغییرات اساسی در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه رخ می‌دهد به گونه‌ای که سبب جهت‌گیری متفاوت نظام اجتماعی و تغییر وجه نظر مردم و طرز تلقی آنها می‌گردد. (تودارو، ۱۳۶۴: ۱۱۵). منظور از توسعه شهری^۳ در اینجا تنها میزان بهبود و برخورداری از شاخص‌هایی چون آب لوله‌کشی شده، برق، تلفن، سرانه هزینه‌های عمرانی شهرداری، شاخص‌های بهداشتی و... نیست، بلکه توسعه را بایستی بر حسب بهبود کیفیت زندگی حاصل از آن هم ارزیابی کرد. فرآیند توسعه شهری، افراد و نه اشیا را مد نظر قرار می‌دهد. (مارک هنری، ۱۳۷۴: ۳۱۳)

1 Getto

2 Louis Vvrs

3 Urban Development

از دیدگاه توسعه پایدار شهری^۱، شهر باید بتواند با در نظر گرفتن توان زیست محیطی، به نیازهای اقتصادی و اجتماعی ساکنانش پاسخ گوید. توسعه پایدار شهری نوعی تغییر در شیوه‌های مدیریت شهری است که افزایش کنترل محلی مردم را بر تصمیم‌گیری‌ها تشویق می‌کند. در سطح کلان، توسعه اجتماع شهری از طریق توانمندسازی خود برای تصمیم‌گیری، اجرا و حل مسائل و مشکلات و چالش‌هایی که مردم با آن مواجه هستند، سعی در حل مشکلات شهر دارد. براساس دیدگاه توسعه پایدار، توسعه اجتماع شهری بر دو هدف اساسی استوار است:

۱. بهبود ساختار فضایی و هویت بخشی مکانی

۲. بهبود سرمایه اجتماعی^۲ در محلات

هدف اصلی این دیدگاه بهبود ساختار فضایی و تقویت هویت مکانی از طریق نهادهای اجتماعی در راستای استفاده از سرمایه اجتماعی است. هویت مکانی فرآیند تعامل انسان و محیط زندگی یا فعالیت‌های انسان‌ها در درون این محیط تلقی می‌گردد.

هدف دوم توسعه شهری افزایش و تقویت سرمایه اجتماعی است. منظور از سرمایه اجتماعی مسئولیت‌پذیری اجتماعی و حس تعلق خاطر افراد و گروه‌ها و ارتباط میان شبکه‌های اجتماعی است. سرمایه اجتماعی محصول ساختار اجتماعی محله است. عنصر اصلی سرمایه اجتماعی ارتباط و اعتماد بین عناصر جامعه، یعنی افراد و گروه‌هاست.

هدف نهایی توسعه پایدار شهری ارتباط میان سرمایه‌های اجتماعی و کالبدی است. بدین معنی که از فرآیندهای اجتماعی به منظور بهبود هویت و ساختار کالبدی و ایجاد ظرفیت برای توسعه‌های آتی استفاده می‌گردد. ترکیب این دو جنبه با به کارگیری عناصر شاخص هویت‌دهنده به مکان و مانوس شدن سکته جدید با محله از طریق بالا بردن خوانایی^۳ سیمای آن، استفاده از عوامل وحدت‌بخش برای تثبیت محله به عنوان یک مجموعه، و تأمین فضای مناسب جهت برقراری تعاملات اجتماعی و برگزاری اجتماعات محله‌ای و ایجاد نزدیکی و پیوند و امکان تبادل آرا و نظرات در میان ساکنان یک محدوده در قالب فضاهای باز محلی، فضاهای فرهنگی و تفریحی و... می‌تواند سبب تحقق اهداف توسعه شهری پایدار گردد (هودستی، ۱۳۸۴: ۵۶).

شهرهای میانی^۴ از نظر اجتماعی بخشی از ویژگی‌های مربوط به شهرهای بزرگ و بخشی از ویژگی‌های مربوط به شهرهای کوچک و روستا - شهرها را در خود دارند و از نظر اقتصادی، مستعد برتری فعالیت‌های تجاری و خدماتی همراه با اشتغال در صنایع کارخانه‌ای که عمدتاً در بخش صنایع با مقیاس کوچک تمرکز یافته هستند (شکویی و باقری، ۱۳۷۷: ۸۹).

اصلی‌ترین معیار برای تعریف شهرهای میانی، اندازه جمعیت آن‌هاست به طوری که اغلب شهرهای بین ۱۰۰ تا ۲۵۰ هزار را به حساب می‌آورند. راندینلی^۵، یکی از نظریه پردازان شهرهای میانی معتقد است که شایسته‌ترین معیار برای تعریف شهرهای میانی اندازه نسبی جمعیت است که با تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای بدست می‌آید (محمدی خبازان، ۱۳۷۰: ۴۴). تعریف راندینلی که حاصل بررسی‌های انجام شده در مورد ۳۱ شهر در ۱۷ کلان شهر جهان است، شهرهای متوسط

1 Sustainable Urban Development

2 Social Capital

۳. در ادبیات معماری خوانایی به معنای آن است که محیط ساختاری تصویرپذیر (قابل تصور) داشته باشد (پرتوی، ۱۳۸۳: ۲۷۲).

4 Middle Cities

5 Dennis Rondineli

را در دامنه ای گسترده در بر می گیرند: شهرهایی با جمعیت بیش از صد هزار نفر به استثنای بزرگ ترین شهر (تقوایی و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۷)

کارشناسان سازمان ملل شهرهای میانی را در اندازه ۲۵ تا ۲۵۰ هزار نفری دسته بندی نموده اند. در ایران، بحث از شهرهای متوسط (میانی)، برای اولین بار و به طور رسمی در گزارش آمایش سرزمین به میان آمده و طبقه بندی ۲۵ تا ۲۵۰ هزار نفر را برای این شهرها برگزیده اند (ارجمندنیا، ۱۳۶۸: ۶۳). تازه ترین نمونه تعاریف شهرهای متوسط مربوط به سال ۲۰۰۱ است و مشابه این تعاریف، کمابیش در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ نیز مشاهده گردیده است؛ چنانکه در آرژانتین رقم ۱ تا ۵۰ میلیون نفر، ایالت متحده آمریکا ۲۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفر و در اروپا ۲۰ تا ۵۰ هزار نفر را برای گروه شهرهای میانی در نظر می گیرند. در شناخت شهرهای میانی علاوه بر شمار جمعیت، کارایی اقتصادی، فعالیت های عمده اقتصادی، ترکیبی اشتغال نیز میتواند به کار آید (امکچی، ۱۳۸۳: ۱۶-۱۴). شهرهای میانی از نظر اقتصادی، مستعد برتری فعالیت های تجاری و خدماتی، همراه با اشتغال در صنایع کارخانه ای که عمدتاً در بخش صنایع با مقیاس کوچک تمرکز یافته، هستند (باقری، ۱۳۷۷: ۸۹-۸۸).

کلاس کانزمن^۱ حمایت و تقویت شهرهای متوسط را کلید موفقیت خط مشی برنامه ریزی منطقه ای می داند. وی نقش و عملکردهای حمایت و تقویت شهرهای متوسط را کلید موفقیت خط مشی برنامه ریزی منطقه ای می داند؛ وی نقش ها و عملکردهایی را برای شهرهای متوسط برمی شمارد و آن ها را پایه نظری راهبردهای توسعه برای یک الگوی شهرنشینی متوازن و متعادل می داند. کانزمن می گوید شهرهای میانی، بنا به موقعیت جغرافیایی شان، می توانند سه عملکرد داشته باشند:

- الف) عملکردی تولیدی: شامل تهیه کالا و ارائه خدمات برای مناطق کشاورزی اطراف.
 - ب) عملکرد توسعه ای از طریق ایجاد، حمایت و تشویق اقتصادی و اجتماعی در منطقه.
 - ج) عملکرد تسکینی یا تعدیلی: به شکل جهت دادن و منحرف ساختن فشارهای توسعه از مادر شهر به مناطق شهری انتخاب شده در حاشیه و اطراف مادر شهر (تقوایی و همکاران، ۱۳۸۷: ۷).
- به نظر راندینلی شهرهای کوچک و میانی بیشترین روابط را با سکونت گاه های روستایی حوزه نفوذ خود برقرار میسازند. با توجه به این دیدگاه شهرهای میانی بر مبنای جمعیت، ممکن است به ترتیب زیر بر توسعه اثر بگذارند:
- ۱) شهرهای میانی ممکن است از مشکلاتی که مسکن، آلودگی، حمل و نقل، اشتغال، تامین خدمات شهری در بزرگترین شهر میکنند بکاهند.
 - ۲) شهرهای میانی از نابرابری های ناحیه ای میکاهند؛ زیرا امکانات و خدمات عرضه شده در حوزه مادر شهری از شهرهای میانی بیشتر است.
 - ۳) شهرهای میانی از طریق ایجاد خدمات، امکانات و بازارهایی برای تولیدات کشاورزی حوزه های روستایی، اقتصاد روستایی را تحریک میبخشند.
 - ۴) سرمایه گذاری در شهرهای میانی فقر را کاهش می دهد و برای بیکاران و مهاجران روستایی اشتغال ایجاد می کند و از فشارهای جمعیتی و مهاجرتی می کاهد (موحد و مسعودی راد، ۱۳۸۸: ۱۳۳).

از آنجایی که شهرها به عنوان وزنه‌های اصلی نواحی تعادل بخشی دارند، و به دلیل نقش چشمگیرتر شهرهای میانه اندام در این تعادل باید در کالبد و توسعه آنها اهمیت فراوانی قائل شد، لذا تقویت این شهرها به موازات چارچوب برنامه‌های ملی - ناحیه ای می‌تواند نتایج بسیار مفیدی در توسعه متعادل ناحیه ای و منطقه ای داشته باشند (حسین زاده دلیر، ۱۳۸۰: ۲۰).

در طی سال‌های اخیر، رشد سریع شهرهای بزرگ مقیاس در کشورهای در حال توسعه مسائلی از قبیل: عدم توازن در عرضه و تقاضای واحدهای مسکونی، افزایش شتابنده میزان بیکاری، مشکلات و مسایل اقتصادی، فقر و حاشیه نشینی، آلودگی زیست محیطی و به تبع آنها مسایل اجتماعی و فرهنگی از قبیل: نابرابری خدمات و امکانات و کم‌رنگ شدن عدالت اجتماعی در سطح منطقه‌ای و ملی گردیده است. بر همین اساس، عده زیادی از محققان، عقیده دارند که باید برنامه‌ریزی‌های توسعه، براساس تاکید بر پویایی شهرهای کوچک و متوسط تهیه شوند؛ چرا که با وجود امکانات و خدمات مشابه در شهرهای میانی از مهاجرت‌های بی‌رویه روستاییان به کلان شهرها در سطح منطقه ای، جلوگیری خواهد شد و مهاجران، شهرهای درجه دوم را برای زیست خود انتخاب میکنند؛ به هر حال این شهرها نسبت به شهرهای بزرگ، بار اقتصادی کمتری را بر خانوارها تحمیل میکنند و در مقابل انواع آلودگی‌های زیست محیطی که در کلان شهرها به طور جدی، وجود دارند، مصونیت بیشتری دارند. جذب مهاجران در شهرهای کوچک و میانی، با کند کردن روند افزایش جمعیت شهرهای بزرگ، در تعدیل مسائل این قبیل شهرها کمک فراوان میکند. از طرفی، تامین امکانات لازم در شهرهای کوچک و میانی، سیستم سکونت گاهی کشورهای در حال توسعه را متعادل و متوازن میسازد و این سیستم در توسعه اجتماعی-اقتصادی ملی نقش اساسی دارد؛ بدین ترتیب روابط شهرها و روستا در مسیر توسعه همه سکونت‌گاه‌ها گسترش میابد و با این دگرگونی، پایگاه بخش کشاورزی در ناحیه نیز تقویت می‌شود (شکویی، ۱۳۷۷: ۴۱۴). از طرفی دیگر، توسعه و تقویت شهرهای میانی و کوچک، سیاستی است که با اهداف تمرکز زدایی انطباق دارد و در دراز مدت منجر به ایجاد شرایطی می‌گردد که توان فعالیت‌ای تولیدی را درون این کانون‌ها تقویت می‌کند. این‌ها کل منطقه را تحت تاثیر عملکرد و نقش خود قرار می‌دهند و می‌توانند مجموعه عوامل لازم را برای شکوفائی مناطق پیرامونی خود فراهم سازند. این امر فقط با پی‌گیری تامین امکانات زیربنایی، آموزشی و بهداشت و درمان در این شهرها تحقق پذیر خواهد بود. بنابراین، کانون‌های کوچک و میانی با توسعه متوازن و هماهنگ با شرایط محیطی خود، ضمن کاهش تفاوت‌های اقتصادی-اجتماعی درون منطقه ای، به تحقیق عوامل و زمینه‌های توسعه پایدار می‌انجامند (فنی، ۱۳۷۹: ۴۷). آلوار آلتور^۱: مشکل طراحی فضای شهری را نحوه ارتباط توده با ساختار بافت شهر میدانند. وی معتقد است: رابطه شکل - زمین همیشه امکانپذیر نیست اما باید آنرا بصورت اصل هدایت‌گر در طراحی شهر بخاطر بسپاریم. کولکوهن واژه فضای شهری را به دو گونه تعریف میکند: فضای اجتماعی و فضای ساخته شده و مصنوع. فضای اجتماعی (تداعی فضایی نهادهای اجتماعی) است که مورد مطالعه جامعه‌شناسان است. (کامور شلمانی و حناچی، ۱۳۹۴: ۶۷).

شهرهای متوسط در ایران

بر اساس شاخص جمعیتی که ملاک تعریف شهرهای میانه یا متوسط در این پژوهش تعیین گردید، ترکیب شهرهای متوسط در ایران از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ به شرح جدول ذیل است:

جدول ۱- جمعیت شهرهای متوسط (جمعیت ۱۰۰ هزار نفر تا ۲۵۰ هزار نفر در آخرین سرشماری) در دو استان آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی در طی سالهای ۱۳۸۵-۱۳۹۵ و نرخ رشد آنها

استان / شهر	جمعیت سال ۱۳۸۵	جمعیت سال ۱۳۹۵	نرخ رشد سال ۱۳۸۵-۱۳۹۵
آذربایجان شرقی			
مراغه	۱۵۱۴۸۶	۱۷۷۰۷۹	۱/۵۷۳
مرند	۱۳۹۰۳۲	۱۵۶۰۵۳	۱/۱۶۲
میانه	۱۰۰۴۱۴	۱۱۴۹۹۶	۱/۳۶۵
آذربایجان غربی			
بوکان	۱۵۱۶۸۹	۱۹۴۸۴۶	۲/۵۳۵
میاندوآب	۱۲۶۱۵۸	۱۴۸۰۵۶	۱/۶۱۳
مهاباد	۱۳۵۷۸۰	۱۶۹۱۴۲	۲/۲۲۱
خوی	۲۱۵۸۸۴	۲۲۵۹۳۱	۰/۴۵۶

• نرخ رشد جمعیت در شهر مرند طی ده سال برابر با ۱/۱۶۲ بوده است.

جدول ۲- تعداد شهرهای متوسط در ایران طی سرشماری سالهای ۱۳۷۵-۱۳۹۵

تعداد شهرهای متوسط در ایران			
سال ۱۳۷۵	سال ۱۳۸۵	سال ۱۳۹۰	سال ۱۳۹۵
۴۱	۱۳۴	۱۵۵	۱۳۸

- تعداد شهرهای متوسط در ایران و تغییرات جمعیتی هر کدام از آنها در طی سالها ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵ آمده است.
- رشد فزاینده در تعداد شهرهای متوسط؛ شهرهایی که در سال ۷۵ در دسته بندی شهرهای متوسط قرار گرفته اند، همچنان در سال ۸۵ در دسته بندی مذکور قرار دارند.
- سیر نزولی در تعداد شهرهای متوسط؛ تعدادی از شهرهای متوسط در فرایند افزایش جمعیت تبدیل به شهرهای بزرگ شده و برخی از شهرهای کوچک به شهرهای متوسط ملحق گردیده اند.
- طی سالهای اخیر به دلایل متعددی جمعیت و مراکز شهری در ایران دچار تحول فضایی شدیدی شده که حاصل آن افزایش شهرهای کوچک؛ متوسط و عدم تعادل در مناطق شهری کشور است. همراه با رشد نسبی شهرنشینی در کشور و ظهور ناخواسته شهرهای کوچک و گسترش ابعاد شهرهای متوسط به دلیل سیاست تمرکز در پایتخت و

مراکز استانها و نیز اعتبار بخشی به نقاط روستایی بزرگ، برنامه ریزی منسجم و هماهنگی برای ایجاد فضاهای شهری مناسب در کشور وجود نداشته و در اغلب پژوهش‌ها تنها به افزایش تعداد شهرها و رشد نسبی شهرنشینی اشاره شده است.

- حال آن که، رشد شهرنشینی در کشور مبتنی بر نظم و الگوی خاصی نبوده و شهرهای ایران بویژه شهرهای با تراکم جمعیت بالا، با بی نظمی و اختلاف زیاد نسبت به شهرهای کوچک رشد کرده اند و این بی نظمی به شهرهای کوچک و متوسط تسری یافته، تاثیرات خود را در بخش‌های مختلف زندگی انسانی از جمله فرهنگ برجای گذاشته است.

- بی نظمی و اختلاف در توزیع جمعیت شهرنشین در نقاط شهری کشور بیانگر نوعی عدم تمرکز شدید در شهرهای مراکز استانی و شهرهای متروپل و جاذب تر است.

- بی نظمی شدید در سلسله مراتب شهری کشور و پراکنش بی قاعده جمعیت شهری در مناطق مختلف شهری ایران دیده میشود.

- با شاخص قرار دادن بزرگترین و پرجمعیت ترین شهرهای هر استان، خواهیم دید که شهرهای با درجات و رتبه بندی بالا در توزیع جمعیت با بی نظمی زیادی مواجه هستند.

- حاکمیت عدم تعادل در نظام شهری و تمرکز جمعیت در شهرهای بزرگ بطور چشمگیری وجود دارد.

- شهرهای بزرگ با جذب جمعیت و سرمایه‌های اقتصادی، مانع از رشد سایر شهرهای کشور شده اند. این موضوع جلوگیری از رشد بی رویه این شهرها را مطرح مینماید.

- با توجه به اینکه در طی دوره مورد مطالعه جمعیت شهرها و رشد شهرهای متوسط چه از نظر تعداد و چه از نظر تراکم و توزیع جمعیت تغییرات بسیاری یافته اند، بطوری که عدم تعادل در آن مشهود است، بنابراین تجدید نظر در سیاست‌های بازتوزیعی جمعیت ضروری است.

- به نظر میرسد هیچ گونه رابطه معقول و منطقی بین شهرها و الگوهای توزیع جمعیتی وجود ندارد. شهرهای بزرگ در سطح ملی با جذب سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور، تمرکز و تسلط خود را بر سایر شهرها حفظ نموده و این امر، مسائلی را برای شهرهای متوسط و کوچک فراهم مینماید. لذا ضرورت تمرکز زدایی از شهرهای بزرگ به سایر مناطق شهری آشکار میشود.

- مهاجرت‌های روستایی - شهری، میل به افزایش جمعیت و تبدیل روستاها به شهر، شهرهای کوچک به متوسط، شهرهای متوسط به بزرگ و... را افزایش میدهد. این مساله ضرورت توجه به توسعه روستایی و تجهیز روستاها به امکانات و خدمات اولیه را مطرح مینماید. به عبارت دیگر، در نظام برنامه ریزی کشور میبایست برنامه ریزی روستایی را مقدم بر برنامه ریزی شهری دانست.

- سیاست‌ها نشان داده است سوق سرمایه‌ها به سمت شهرهای کوچک و متوسط باعث ثبات منطقه گردیده و از رشد بی رویه شهرهای بزرگ جلوگیری نموده است. بنابراین پراکنش صنایع از شهرهای بزرگ به سمت شهرهای

متوسط، تقویت سرمایه گذاری در شهرهای متوسط و فراهم نمودن امکانات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در این شهرها باعث تقویت رابطه آنها با شهرهای بزرگ و کوچک گردیده و با تقویت ارتباط شهرهای کوچک و متوسط با شهرهای بزرگ تعادل بخشی در نظم شهری کشور ایجاد نماید و سیستم متعادل سکونتگاهی و در پی آن تعادل در تمام بخش‌ها و خرده نظام‌های جامعه تحقق خواهد یافت.

شهر متوسط مرند

الف - پیشینه تاریخی

کلمه مرند در زبان ارمنه دفن یا دفینه است که می‌گویند مرند محل دفن نوح نبی است. شاردن فرانسوی می‌نویسد: «اسم این شهر از یک فعل ارمنی به معنای دفن کردن گرفته شده است که ترکیبی از دو کلمه مر + اند یعنی مراند به معنی مادر آنجاست. است». نویسندگان در مورد وجه تسمیه این شهر روایات فراوان و متفاوتی را نقل کرده‌اند. مرند سرزمین قوم مروا، مرند شهر مارلانای مسیحی، مانداگارنا یا مورندای باستان و محل تدفین حضرت نوح از جمله این روایات هستند که تأکید بیشتر در این زمینه با توجه به نزدیکی این شهر به کوه‌های آرات، به محل تدفین حضرت نوح است. از طرف دیگر مطابق نوشته‌های تورات، مسجد بازار مرند که به مسجد مادر حضرت نوح شهرت یافته محل قبر مادر حضرت نوع است که در چندین سند تاریخی ذکر شده است. شهرستان مرند از نقطه نظر تاریخی دارای قدمتی به اندازه تاریخ ایران است و به چند قرن پیش از میلاد مسیح می‌رسد. در دایره المعارف بزرگ اسلامی آمده است که مرند مرکز سکونت اقوامی مهم در دوره کلد و آشور بود. از اینرو با توجه به تاریخ کهن و ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی این شهرستان آثار تاریخی و فرهنگی با ارزش متعددی تاکنون شناسایی و به ثبت رسیده است. از آن میان آثار ارزشمندی از جمله قلاع، تپه‌های باستانی، بقعه، آرامگاه، کاروان سرای هلاکو، حمام‌های قدیمی، پل، مساجد و کلیساهای تاریخی تنها بازتاب بخشی از میراث تاریخی و فرهنگی گران مایه این شهرستان است. مرند یکی از قدیمی‌ترین شهرهای استان است که به استناد آثار نویسندگان تاریخی از پیشینه غنی فرهنگی و سابقه طولانی تمدن برخوردار است. مرند در زبان ارمنی به معنی دفن یا دفینه است و شاردن در سیاحتنامه خود این منطقه را محل دفن حضرت نوح دانسته است. از نظر وی مرند از یک لغت ارمنی اشتقاق یافته و در مرند کوهی که کشتی نوح در آن توقف کرد و وی را از طوفان نجات داد، مشاهده می‌شود. این شهر در دوران کلد و آشور یکی از مراکز مهم قدرت بوده است. بطلمیوس جغرافیدان معروف یونان از این شهر با نام مانداکاران یاد می‌کند. این شهر در طول تاریخ توسط اقوام مختلف بخصوص رومیان، اعراب، گرجی‌ها و مغول‌ها ویران شده و دوباره ساخته شده است. اسناد تاریخی و نوشته‌های محققین، نخستین آثار تمدن انسانی در جنوب رود ارس را به هزاره چهارم قبل از میلاد یعنی حدود ۶ هزار سال پیش تخمین زده‌اند. اقوام بومی ساکن این منطقه با ایجاد جوامع ابتدایی و دهکده‌های متکی بر فرهنگ و تمدن کشاورزی، شالوده شهرهای مهمی چون مرند را بنیان نهاده‌اند.

ب - موقعیت جغرافیایی مرند

شهرستان مرند به مرکزیت شهر مرند با مساحت ۳۲۸۵/۶ کیلومتر مربع معادل ۷/۲ درصد از کل مساحت استان در شمال غرب استان آذربایجان شرقی واقع شده است. این شهرستان از نظر مختصات جغرافیایی در عرض شمالی ۳۸ درجه

و ۱۷ دقیقه الی ۳۸ درجه و ۵۳ دقیقه و در طول شرقی ۴۵ درجه و ۱۴ دقیقه الی ۴۶ درجه و ۱۲ دقیقه قرار گرفته است. این محدوده بر مبنای تقسیمات سیاسی سال ۱۳۸۸، دارای دو بخش؛ مرکزی و یامچی و ۹ دهستان (شامل؛ بناب، دولت - آباد، زنوزق، کشکسرای، میشاب شمالی، هرزندات شرقی، هرزندات غربی، ذوالبین و یکانات) است. مرکز سیاسی شهرستان، شهر مرند است که در فاصله ۵۷ کیلومتری شمال غرب تبریز و در محور ارتباطی زمینی ایران با ترکیه و اروپا قرار گرفته و از این نظر موقعیت ویژه‌ای در استان و کشور دارد.

ج - ویژگی‌های جمعیتی مرند

شهرستان مرند، هم اکنون پنج کانون زیست شهری به نام‌های مرند، کشکسرای، زنوز، یامچی، بناب جدید دارد. شهر مرند از نظر سلسله مراتب نظام شهری، به عنوان مرکز شناخته شده است و به عنوان مرکز سطح اول شهرستان شناخته می‌شود. از نظر جمعیتی شهر مرند، پرجمعیت‌ترین شهر ناحیه به شمار می‌رود و شهر کشکسرای با فاصله زیاد پس از این شهر قرار گرفته است. شهر مرند با جمعیت ۱۱۴۸۴۱ نفری در سال ۱۳۸۵ به عنوان مرکز شهرستان به شمار آمده و در طرح پایه آمایش استان، به عنوان شهر سطح دو، به مثابه کانون محرک توسعه منطقه ای معرفی شده است، و در نهایت برای سازماندهی، توسعه و توازن بخشی در سطح شهرستان مهم خواهد بود. مرند با دارا بودن ۱۵۶۰۵۳ نفر جمعیت (سال ۱۳۹۵ خورشیدی) و با ۲۸ کیلومتر مربع مساحت (سال ۱۳۹۴ خورشیدی)، سومین شهر پرجمعیت استان پس از تبریز و مراغه و از نظر مساحت دومین شهر بزرگ استان پس از تبریز محسوب می‌شود. با چنین ویژگی‌های جمعیتی، شهر مرند دارای رشدی شتابان در جمعیت و فضای شهری است.

د - ارتباط فضایی شهرهای ناحیه مرند - وضع موجود

توسعه منطقه‌ای از طریق رشد و تنوع کارکردهای سکونتگاهی و شکل‌گیری ارتباط قوی بین آنها شکل می‌گیرد. گسترش ارتباط کالبدی (جاده‌ای، راه آبی، ریلی و غیره) میان سکونتگاه‌ها موجب افزایش ارتباط متقابل اجتماعی و به تبع آن افزایش تبادل خدمات میان سکونتگاه‌ها می‌شود که این خود سبب افزایش تنوع فعالیت‌های اقتصادی در سکونتگاه‌ها است (کلانتری، ۲۳۵:۱۳۸۰). با گسترش امکان ارتباط کالبدی و ارتباط اقتصادی میان سکونتگاه‌ها، حرکات جمعیتی نیز افزایش می‌یابد. آمد و شده‌های روزانه بین محل سکونت و محل کار، تحصیل، دریافت خدمات، مهاجرت‌های فصلی و موقتی برای اشتغال و مهاجرت‌های دائمی از پدیده‌های مرسوم و گسترده امروزی میان سکونتگاه‌های بشری می‌باشد که موجب شکل‌گیری ارتباط فضایی بین شهر و حوزه‌های روستایی و همچنین میان شهرهای میانی و کوچک می‌شود (شکوئی، ۲۷۱:۱۳۷۹). امروزه علاوه بر موارد یاد شده، ارتباط اداری و سیاسی یکی از مهمترین عوامل شکل دهنده ارتباط فضایی و یکپارچگی سکونتگاه‌های بشری محسوب می‌شود. جریان بودجه و تصمیمات مسئولان نظام بروکراسی حاکم و سلسله مراتب ناشی از آن از مهمترین عوامل تاثیرگذار در شکل‌گیری ارتباط فضایی و یکپارچگی سکونتگاه‌های بشری محسوب می‌شود. صاحب نظران این حوزه و بخصوص دینس راندینلی این ارتباط‌ها را در هفت گروه (ارتباط کالبدی، خدماتی، اقتصادی، تکنولوژیکی، متقابل اجتماعی، حرکات جمعیتی، اداری و سیاسی) دسته بندی نموده اند.

توسعه کالبدی و پیامدهای فرهنگی آن در مرنند

در کشورهای در حال توسعه، رشد کلانشهرها، تمرکز بالای امکانات و فرصت‌های اقتصادی در آنها؛ مهاجرت‌های بی‌رویه به سمت قطب‌های توسعه، خالی شدن شهرهای کوچک و روستاها از سکنه و در نهایت به هم خوردن تعادل شبکه شهری در پی هجوم جمعیت به کلانشهرها و شهرهای میانه را به دنبال داشته است. برای حل این مسائل و معضلات، مجموعه‌ای از استراتژی‌ها و راهکارهای بنیادی لازم است. تجربیات جهانی، بیانگر این واقعیت است که حل مسائل و مشکلات شهرهای بزرگ، در گرو حمایت جدی از شهرهای میانی است. با مدیریت صحیح این طبقه از شهرها و بالا بردن کیفیت زندگی در آنها و حمایت همه جانبه از آنها، می‌توان تا حدود زیادی از مهاجرت به سمت کلانشهرها جلوگیری کرد و مردم را به ماندن در این شهرها ترغیب نمود. در صورتی که این نوع شهرها مرکز یک استان نیز به شمار آیند، در این صورت اهمیت مسئله به مراتب بیشتر می‌شود. "یک توسعه متوازن تنها با دخالت دادن عوامل و داده‌های فرهنگی در راهبردهایی که هدفشان اجرای توسعه است، تحقق می‌یابد. بنابراین، باید این راهبردها را در پرتو زمینه‌های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه طراحی و تدوین کرد". (نوابخش و سیاه پوش، ۱۳۸۸: ۶۸)

زندگی سنتی و راه و روش زندگی مردم شهر مرنند در طول دهه گذشته در نتیجه فرایند نوسازی که با تغییرات کالبدی شهر همراه بوده است، تا حدود زیادی دگرگون شده است. هر بار مراجعه به مرنند که به فاصله چند ماه صورت گیرد، تفاوت را در کالبد شهر مشاهده خواهید کرد. افزایش انتظام در فضای شهری و بهبود بهره‌گیری از فضاهای خدمات شهری و ظهور اماکن فرهنگی، اقتصادی، ورزشی و تفریحی، تغییر در نمای ظاهری سکونتگاهها، تعریض معابر و یا احداث معابر جدید، تاسیس و راه اندازی بنگاههای اقتصادی و فرهنگی (به صورت ساختمانهایی شاید به تقلید از کشورهای همجوار)، توجه به جلوه‌های زیبایی شناختی و خوانایی شهری از سوی شهروندان و مدیران شهری و.... تمام این جنبه‌ها به همراه خود موجی از تغییرات دارد. در طی ده سال گذشته این روند که سرعت بیشتری نسبت به سالهای قبل تر یافته است، گسترده گی پیامدهای فرهنگی در زندگی خانواده‌ها، در سطح شهر، در سبک‌های مصرفی، و به طور خلاصه در اکثر عناصر فرهنگی شهروندان قابل تشخیص است. با توجه به گستردگی مفهوم فضای شهری در این پژوهش، شهر مرنند به بافت‌های چندگانه تقسیم گردیده یافته‌های تحقیق تبیین می‌شود:

الف - بافت تاریخی مرنند

شهرستان مرنند از نقطه نظر تاریخی دارای قدمتی به اندازه تاریخ ایران است و به چند قرن پیش از میلاد مسیح می‌رسد. در دایره المعارف بزرگ اسلامی آمده است که مرنند مرکز سکونت اقوامی مهم در دوره کلد و آشور بود. از اینرو با توجه به تاریخ کهن و ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی این شهرستان آثار تاریخی و فرهنگی با ارزش متعددی تاکنون شناسایی و به ثبت رسیده است. از آن میان آثار ارزشمندی از جمله قلاع، تپه‌های باستانی، بقعه، آرامگاه، کاروان سرای هلاکو، حمام‌های قدیمی، پل، مساجد و کلیساهای تاریخی تنها بازتاب بخشی از میراث تاریخی و فرهنگی گران مایه این شهرستان است. مرنند یکی از قدیمی‌ترین شهرهای استان است که به استناد آثار نویسندگان تاریخی از پیشینه غنی فرهنگی و سابقه طولانی تمدن برخوردار است. مرنند در زبان ارمنی به معنی دفن یا دفینه است و شاردن در سیاحتنامه خود این منطقه را محل دفن حضرت نوح دانسته است. از نظر وی مرنند از یک لغت ارمنی اشتقاق یافته و در مرنند کوهی که کشتی نوح در آن توقف کرد و وی را از طوفان نجات داد، مشاهده می‌شود. این شهر در دوران کلد و آشور یکی

از مراکز مهم قدرت بوده است. بطلمیوس جغرافیدان معروف یونان از این شهر با نام مانداکاران یاد می‌کند. این شهر در طول تاریخ توسط اقوام مختلف بخصوص رومیان، اعراب، گرجی‌ها و مغول‌ها ویران شده و دوباره ساخته شده است. اسناد تاریخی و نوشته‌های محققین، نخستین آثار تمدن انسانی در جنوب رود ارس را به هزاره چهارم قبل از میلاد یعنی حدود ۶ هزار سال پیش تخمین زده‌اند. اقوام بومی ساکن این منطقه با ایجاد جوامع ابتدایی و دهکده‌های متکی بر فرهنگ و تمدن کشاورزی، شالوده شهرهای مهمی چون مرند را بنیان نهاده‌اند. نویسندگان در مورد وجه تسمیه این شهر روایات فراوان و متفاوتی را نقل کرده‌اند. مرند سرزمین قوم مروا، مرند شهر مارلانای مسیحی، مانداگارنا یا مورندای باستان و محل تدفین حضرت نوح از جمله این روایات هستند که تأکید بیشتر در این زمینه با توجه به نزدیکی این شهر به کوه‌های آرارات، به محل تدفین حضرت نوح است. از طرف دیگر مطابق نوشته‌های تورات، مسجد بازار مرند که به مسجد مادر حضرت نوح شهرت یافته محل قبر مادر حضرت نوح است که در چندین سند تاریخی ذکر شده است. نکته آخر اینکه این شهرستان یکی از شهرستان‌های قدیمی و با سابقه استان است و آثار متعدد فرهنگی و تاریخی از اقوام مختلف در این محدوده یافت می‌شود.

ب - بافت قدیمی مرند

بافت قدیم مرند شامل بافت تاریخی و بخشی از بافت میانی شهر است. در این بافت واحدهای مسکونی، از طریق معابر و کوچه‌های کم عرض شکل گرفته که اغلب در محله‌ها و بخش‌هایی از کوچه‌ها تلاقی معابر دیده می‌شود. در این بافت اماکن ساخت قدیم، مساجد و تکایای مذهبی، مغازه‌های خرده فروش و حمام‌های عمومی دیده می‌شود. اجتماع سنتی زنان خانه دار، بازی کودکان در کوچه‌ها، مشارکت مردم در فعالیت‌های مذهبی و همچنین خرید و فروش به سبک‌های سنتی در این محلات دیده می‌شود. در برخی از این محلات راه اندازی کسب و کارهای خانگی از قبیل فروش محصولات باغات به صورت بسته بندی‌های اولیه، قالی بافی، تهیه برخی از نانهای سنتی، دوخت و تهیه رختخوابهای سنتی و... وجود دارد.

ج - بافت میانی مرند

بافت میانی شهر مرند شامل محلاتی از قبیل، باغ وزیری، شمس تبریزی، رفیع آباد، رفیع آباد، شهید فهمیده، قنبرچشمه و... است. محلاتی که قدمت توسعه شکل‌گیری کاربری‌های موجود در آنها به دهه‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۷۰ باز می‌گردد.

د - بافت نوساز و جدید مرند

بخش نوساز مرند شامل بخش عمده‌ای از شهرک‌های تازه تاسیس و همچنین بخش‌هایی از برخی محلات میانی که ساخت و ساز نسبتاً جدید در آنها آغاز گردیده است، می‌شود. مهم‌ترین محله‌ها در بافت جدید و نوساز مرند عبارتند از: شهرک ولیعصر، نشاط، تربیت، فرمان آباد و گوارا. در این محلات سکونتگاهها در شکل‌های توسعه یافته تری مکانیابی گردیده‌اند. خانه‌های آپارتمانی، مجتمع‌های مسکونی و انبوه‌سازی‌های تعاونی‌های مسکن در اشکال گسترده‌ای توزیع گردیده است. بافت شهری و مکانیابی در این محلات منظم و با الگوی شطرنجی و خیابانهای از پیش طراحی شده شکل گرفته است.

روش پژوهش

در هر کدام از مراحل پژوهش روش‌های متفاوت به کار گرفته شد. در ابتدا برای تدوین چارچوب نظری از روش اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده گردید. سپس براساس مطالعات صورت گرفته و چهارچوب نظری، دیاگرام علی پژوهش تدوین گردید. با توجه به دیاگرام علی و موضوع پژوهش به تبیین نحوه تاثیر کالبد شهر بر فرهنگ به بیان مولفه‌ها و شاخص‌های مورد نظر به بررسی نمونه موردی پرداخته شد. همچنین در مرحله بعد، با توجه اینکه، «تبدیل اطلاعات تحقیق به صورت نمادهای ریاضی به منظور استفاده از قابلیت تحلیل‌های آماری و ریاضی برای توصیف و تحلیل پدیده‌های اجتماعی می باشد...» (از کیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۹۶) برای پژوهش متغیرهای لازم برای توسعه کالبدی شهر و پیامدهای فرهنگی دسته بندی شده مورد سنجش قرار گرفت. همچنین، در این تحقیق «... برای حقیقت یابی و شرایطی را که در یک زمان معین وجود دارد...» (از کیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۴۱) به توصیف مسائلی که توسعه شهر در مسیر خود بوجود می آورد پرداخته شد. همچنین به منظور تدوین دیاگرام علی و به دست آوردن متغیرهای قابل سنجش در این پژوهش علاوه بر نظریه‌های مطرح شده در حوزه جامعه شناسی شهری، از مصاحبه نیمه ساخت یافته با تعداد ۱۰ نفر از نخبگان و صاحب‌نظران شهر مرنند انجام شد. بنابراین این پژوهش به روش پیمایشی - توصیفی انجام گردیده و شهر متوسط مرنند، محدوده جغرافیایی مورد مطالعه است. همچنین از مصاحبه‌های عمیق برای تدوین پرسش‌نامه و آشنایی با مشکلات و نیازهای شهری استفاده شد. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل شهروندان و نخبگان و یا صاحب‌نظران شهر مرنند است. برابر آمار موجود در سال ۱۳۹۵ جمعیت شهر متوسط مرنند برابر است با ۲۴۴۹۷۱ نفر و جمعیت ۱۵ سال به بالا در مرنند برابر با ۱۸۷۶۷۱ نفر است. جمعیت بالای ۱۵ سال از آنجا به عنوان جامعه آماری تعریف گردید که تکمیل پرسشنامه‌های پژوهش با توجه به ضرورت اطلاع و آگاهی پاسخگویان به پرسشها و اظهار نظر در موضوع پژوهش وجود دارد. همچنین با مراجعه حضوری به مراکز علمی و دانشگاهی مرنند تعداد اعضای هیات علمی دانشگاه‌های آزاد و پیام نور و همچنین با احتساب صاحب‌نظران فرهنگی - اجتماعی این شهر ۶۸۰ نفر برآورد گردید. در پژوهش حاضر با توجه به ویژگی‌های جامعه آماری و زیاد بودن جمعیت آن، برای انجام تحقیق و جمع آوری اطلاعات، از فرمول تعیین حجم نمونه کوکران^۱ استفاده گردید که عدد ۱۹۰۱ به دست آمد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران و احتساب ۲٪ ضریب خطا محاسبه گردیده است. و براساس فرمول کوکران حجم نمونه نخبگان و صاحب‌نظران شهر مرنند براساس جامعه آماری ۶۸۰ نفر، ۷۲ نفر است.

یافته‌های تحقیق

متغیرهای شاخص توسعه شهرها، امنیت فرهنگی، آداب و رسوم و هویت قومی، کیفیت فضاهای خدمات شهری، تولید و مصرف کالاها و خدمات فرهنگی و کیفیت انجام مناسک دینی در این پژوهش می باشند، مورد بررسی و آزمون واقع شده، سپس فرضیات پژوهش مورد آزمون تجربی قرار گرفته‌اند و با استفاده از آماره‌های مختلف از جمله ضریب همبستگی پیرسون و آزمون t شدت و جهت روابط بدست آمده، مورد بررسی واقع شده است. و در نهایت بخش مربوط به تجزیه و تحلیل سوالات باز پرسشنامه است.

جدول ۳- رتبه‌بندی اثرات توسعه شهر متوسط مرند از دیدگاه شهروندان و نخبگان

رتبه بندی	رتبه میانگین	متغیرها
۳	2.96	کیفیت فضاهای خدمات شهری
۲	4.82	آداب و رسوم و هویت قومی
۱	3.88	امنیت فرهنگی
۴	1.94	تولید و مصرف کالاها و خدمات فرهنگی
۵	1.40	کیفیت انجام مناسک دینی و مذهبی

با توجه به جدول و نتیجه آزمون، میانگین نمره نگرش پاسخگویان به اثرات شاخص توسعه شهر متوسط مرند در بین شهروندان و نخبگان یا صاحب‌نظران به ترتیب بیشترین مقدار اثرات به ترتیب مربوط به متغیرهای شاخص امنیت فرهنگی (۳.۸۸)، آداب و رسوم و هویت قومی (۴.۸۲)، کیفیت فضاهای خدمات شهری (۲.۹۶)، تولید و مصرف کالاها و خدمات فرهنگی (۱.۹۴) و کیفیت انجام مناسک دینی و مذهبی (۱.۴۰) است که بیشترین مقدار اثرات مربوط به شاخص امنیت فرهنگی و کمترین مقدار اثرات مربوط به شاخص تولید و مصرف کالاها و خدمات فرهنگی است. شهروندان و نخبگان شهر رتبه بندی یکسانی به متغیرهای مورد بررسی به عنوان پیامدهای توسعه فضای شهر متوسط مرند قائل شده‌اند. همچنین با توجه به پاسخ مشارکت کنندگان در این پژوهش به سوالات باز پرسشنامه میتوان نتیجه گرفت، راهکارهای مورد نظر شهروندان برای توسعه شهر مرند؛ رسیدگی به نمای بصری شهر و زیباسازی آن، عدم صدور مجوز ساخت و ساز ساختمانهای با طبقات بالا در محلات قدیمی، تجدید نظر در بازگشایی معابر براساس تراکم جمعیت شهر، استفاده از اصول علمی و الگوهای استاندارد در توسعه شهر، عدم تبعیت ساختار و مکانیابی شهر از الگوهای استاندارد، ایجاد فضاهای جدید تفریحی، رفاهی و مراکز خرید، جلب مشارکت سرمایه گذاران در توسعه شهر، ساماندهی واحدهای تجاری شهر و بازارهای سنتی، دست فروشان و المانهای شهری و تاسیس مراکز درمانی با تجهیزات و تکنولوژی جدید است. دیدگاه پاسخگویان در مورد کیفیت فضاهای عمومی و خدمات شهری در مرند و اشکالات موجود معتقدند؛ کیفیت مصالح به کار برده شده در ساخت فضاها و آسفالت جاده‌های ورودی و خروجی شهر، نامناسب بودن آسفالتهای معابر، نگهداری فضای خدمات شهری بدون متولی و مسئول، کیفیت فضاهای تازه تاسیس در مدت زمان کوتاه آسیب دیده است، تراکم زیاد جمعیت و توزیع نامناسب آن در سطح شهر، نابرابری در توزیع خدمات و فضاهای عمومی در شهر، خودنمایی کردن آسیب‌های اجتماعی در فضاهای عمومی شهر، نظافت در معابر شهری و فضاهای عمومی شهر و عدم تناسب فضاهای عمومی با تراکم جمعیت از عمده مسائل با اهمیت است.

پاسخگویان معتقدند براساس تغییرات قابل توجهی که در حوزه آداب و رسوم ساکنین مرند طی سالهای اخیر بوجود آمده است؛ کم رنگ شدن دید و بازدیدهای ساکنین به سبک سنتی، گرایش در برگزاری و سنت‌ها و آداب مراسم ازدواج به سبک برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای، آداب و مراسم مذهبی و اعیاد دچار تغییرات ماهیتی شده است (فروش ابزار و آلات عزاداری و برگزاری مراسم اعیاد شکل و ماهیت مناسبات را دچار تغییرات بنیادین ساخته است) از نکات با

اهمیت است. تهدیدات فرهنگی در بین خانواده‌های ساکن مرند طی سالهای اخیر پاسخگویان معتقدند؛ تاثیرپذیری از برنامه‌های شبکه‌های تلویزیونی خارجی، دسترسی آسان به افراد در فضای مجازی و برقراری هر نوع ارتباط مخرب و ناسالم، رواج تشریفات و تجملات کاذب در سبک زندگی شهروندان، رواج شتابان کودک همسری، رواج فرهنگ برهنگی ناشی از بریدن جوانان از فرهنگ و ارزشهای سنتی و ملی، سست شدن بنیاد خانواده‌ها به دلیل استفاده بیش از حد خانواده‌ها از شبکه‌های ماهواره ای از اهمیت بسیاری برخوردار است. از نظر پاسخگویان در سالهای اخیر مصرف کالاها و سبک زندگی رواج یافته بین ساکنین مرند عبارتند از: استفاده از کالاهای خارجی در مصارف روزانه، نفوذ تکنولوژی و ابزار و کالاهای متناسب با آن در زندگی خانواده‌ها، انجام سفرها به کشورهای اروپای شرقی و وارد کردن فرهنگ و کالاهای مورد استفاده آنها، تقلید از زندگی مدرن در کشورهای پیشرفته و استفاده از کالاهای تبلیغی آنها (کالاهای مصرفی از قبیل؛ پوشاک، خوراک، لوازم آرایشی، تزئینی و لوکس و...)، رواج مصرف گرایی و لذت گرایی، رواج استفاده از مواد مخدر صنعتی.

همچنین از نظر پاسخگویان مناسک مذهبی و اعتقادی بین ساکنین مرند نسبت به قبل تغییراتی داشته است از جمله: کاهش قابل توجه در برگزاری مراسم و مناسک مذهبی، تغییرات بسیار در سبک‌های عزاداری خانواده‌ها، کم‌رنگ شدن میزان مشارکت جوانان در آئین‌های مذهبی.

در نهایت راهکارهای شهروندان برای توسعه شهر مرند در موارد زیر جمع بندی گردید: سیمای شهر از نظر اغلب پاسخگویان چشم نواز نبوده و نیازمند زیباسازی است. ساخت و ساز ساختمانهای با طبقات بالا در محلات قدیمی، مدیریت در معابر با تراکم جمعیت بالا در شهر، ضرورت بهره گیری از اصول علمی و الگوهای استاندارد در توسعه شهر، لزوم تبعیت از الگوهای استاندارد در مکانیابی و توسعه کالبدی شهر، تاسیس فضاهای جدید تفریحی، رفاهی و مراکز خرید متمرکز در داخل و حومه شهر، جلب مشارکت سرمایه گذاران در توسعه شهر، ساماندهی واحدهای تجاری شهر و بازارهای سنتی، دست فروشان و المانهای شهری و همچنین ضرورت تاسیس مراکز درمانی با تجهیزات و تکنولوژی جدید در محلات و بافت‌های با تراکم جمعیت بالا از پیشنهادات پاسخگویان است.

همچنین در خصوص اشکالات موجود در کیفیت فضاهای عمومی و خدمات شهری در مرند نظرات شهروندان عبارتند از:

عدم استفاده از مصالح با کیفیت در ساخت فضاها، آسفات جاده‌های ورودی و خروجی شهر، نگهداری فضای خدمات شهری بدون متولی و مسئول، کیفیت فضاهای تازه تاسیس در مدت زمان کوتاه آسیب دیده است، تراکم زیاد جمعیت و توزیع نامناسب آن در سطح شهر، نابرابری در توزیع خدمات و فضاهای عمومی در شهر، خودنمایی کردن آسیب‌های اجتماعی در فضاهای عمومی شهر، نظافت در معابر شهری و فضاهای عمومی شهر، عدم تناسب فضاهای عمومی با تراکم جمعیت.

در مورد تغییراتی که در آداب و رسوم ساکنین مرند طی سالهای اخیر بوجود آمده است، نظرات شهروندان عبارتند از: کم رنگ شدن دید و بازدیدهای ساکنین به سبک سنتی، گرایش در برگزاری و سنت‌ها و آداب مراسم ازدواج به سبک برنامه‌های شبکه‌های ماهواره ای، آداب و مراسم مذهبی و اعیاد دچار تغییرات ماهیتی شده است (فروش ابزار و آلات عزاداری و برگزاری مراسم اعیاد شکل و ماهیت مناسبات را دچار تغییرات بنیادین ساخته است).

در مورد تهدیدات فرهنگی در بین خانواده‌های ساکن مرنند در سالهای اخیر، پاسخ شهروندان دارای نکات ذیل است: تاثیرپذیری از برنامه‌های شبکه‌های تلویزیونی خارجی، دسترسی آسان به افراد در فضای مجازی و برقراری هر نوع ارتباط مخرب و ناسالم، رواج تشریفات و تجملات کاذب در سبک زندگی شهروندان، رواج شتابان کودک همسری، رواج فرهنگ برهنگی ناشی از بریدن جوانان از فرهنگ و ارزشهای سنتی و ملی، سست شدن بنیاد خانواده‌ها به دلیل استفاده بیش از حد خانواده‌ها از شبکه‌های ماهواره ای.

در مورد رواج مصرف کدام کالاها و یا کدام سبک زندگی در بین ساکنین مرنند در سالهای اخیر پاسخگویان پاسخ دادند: رواج استفاده از کالاهای خارجی در مصارف روزانه، نفوذ تکنولوژی و ابزار و کالاهای متناسب با آن در زندگی خانواده‌ها، انجام سفرها به کشورهای اروپای شرقی و وارد کردن فرهنگ و کالاهای مورد استفاده آنها، تقلید از زندگی مدرن در کشورهای پیشرفته و استفاده از کالاهای تبلیغی آنها (کالاهای مصرفی از قبیل؛ پوشاک، خوراک، لوازم آرایشی، تزئینی و لوکس و...)، رواج مصرف گرایی و لذت گرایی، رواج استفاده از مواد مخدر صنعتی.

در مورد دگرگونی‌های بوجود آمده در حوزه مناسک مذهبی و اعتقادی بین ساکنین مرنند در سالهای اخیر اظهارات پاسخگویان با بیشترین فراوانی‌ها عبارتند از: کاهش قابل توجه در برگزاری مراسم و مناسک مذهبی، تغییرات بسیار در سبک‌های عزاداری خانواده‌ها، کم‌رنگ شدن میزان مشارکت جوانان در آئین‌های مذهبی.

نتیجه گیری

می توان گفت توسعه کالبدی در شهرها در گرو پرداختن به مبانی و اصول اساسی الگوهای استاندارد شهرسازی است. همچنان که توجه به تمام بخش‌ها و جنبه‌های توسعه نیازمند بررسی‌های علمی و استانداردهای جهانی است، در توسعه کالبدی در شهرهای میانی در ایران نیز لزوم توجه به استانداردهای علمی واضح است. توزیع موزون امکانات و جمعیت از ضرورت‌های اصلی توسعه کالبدی شهر محسوب میشود. بنابراین برنامه‌هایی قادر به دستیابی به اهداف توسعه خواهند شد که نقطه آغاز آنها پرداختن به رشد و توسعه مناطق محروم، رشد جمعیت پذیری در این شهرها، توجه به ظرفیت‌های موجود در منطقه مورد نظر و ملاحظات دقیق و کارشناسی در خصوص نقش، جایگاه و تاثیر انکارناپذیر شهرهای بزرگ بر شهرهای میانی است.

بنابراین با عنایت به یافته‌های تحقیق حاضر، پیشنهادات زیر برای توسعه کالبدی موزون و متعادل در شهر میانی مرنند قابل توصیه است:

- ۱- رفع محدودیت‌های استقرار صنایع کوچک و بزرگ در پیرامون شهر مرنند؛
- ۲- لزوم ارائه تسهیلات اعتباری به بخش خصوصی جهت سرمایه گذاری در امور خدمات شهری؛
- ۳- تقویت شبکه‌های تلویزیونی استان و شبکه نمایش خانگی؛
- ۴- جلب مشارکت مردمی برای سرمایه گذاری در مراکز رفاهی، تجاری و خدماتی شهر؛
- ۵- توسعه صنعت گردشگری با توجه به وجود پتانسیل‌های تاریخی، فرهنگی و طبیعی؛
- ۶- اولویت بخشی به ایجاد فعالیت‌های تولیدی و صنعتی با ارائه سیاست‌های تشویقی در بخش‌های مرکزی و پیرامونی مرنند؛

- ۷- جلب مشارکت مردم و هدایت سرمایه گذاران به محورهای اصلی توسعه با تسهیلات ویژه و معافیت‌های مالیاتی؛
 - ۸- ایجاد شبکه ارتباطی مدیریت شده با منطقه مرزی (جلفا) به منظور هدایت و جلب مشارکت مردمی در سرمایه گذاریهای بلند مدت؛
 - ۹- ساماندهی نظام بازرگانی با توجه به همجواری منطقه مرزی، به منظور توسعه صادرات به کشورهای همجوار؛
 - ۱۰- تبعیت از قوانین و مقررات شهرسازی توسط دست اندرکاران؛
 - ۱۱- استفاده از روشها و ابزارهایی در جهت ارتقاء مسئولیت پذیری شهروندان و نهادهای مدنی.
- در مجموع باید گفت مسائل اجتماعی و بویژه توسعه شهرها از مطالعات و پژوهشها برای دستیابی به حیات اجتماعی پایدار بی نیاز نیست از این رو تمرکز بر این نوع پژوهشهای علمی با توجه به اقتضاء زمان باید اهمیت روزافزون پیدا کند و از استفاده از تجربیات کشورهای مختلف نهراسید.

منابع

- ۱- ارجمندیا، اصغر (۱۳۶۸)، "نقش شهرهای میانه در نظام اسکان جمعیت"، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۹.
- ۲- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۹)، "نظریه‌های اجتماعی معاصر با رویکرد توسعه"، تهران: نشر علم.
- ۳- ازکیا، مصطفی و حسین ایمانی جاجرمی و زهرا فرضی زاده میاندهی (۱۳۹۰)، "روش‌های کاربردی تحقیق"، جلد دوم (کاربرد نظریه بنیانی)، انتشارات کیهان.
- ۴- امکچی، حمیده (۱۳۸۳)، "شهرهای میانی و نقش آنها در چارچوب توسعه ملی"، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری، چاپ اول.
- ۵- باقری، اشرف السادات (۱۳۷۷)، کارکرد شهرهای میانی در توسعه ناحیه ای"، فصلنامه مدرس، شماره‌های ۸ و ۹.
- ۶- تاجبخش، کیان (۱۳۸۶)، "آرمان شهر؛ فضا، هویت و قدرت در اندیشه اجتماعی معاصر"، ترجمهک افشین خاکباز، تهران: نشر نی.
- ۷- تقوایی، مسعود و رضا مختاری ملک آبادی (۱۳۸۳)، "مدیریت شهری در شهرهای متوسط"، ماهنامه شهرداری‌ها، شماره ۶۱.
- ۸- تقوایی، مسعود و رانی، حمیدرضا، شیخی، حجت (۱۳۸۷)، "تحلیل جایگاه و نقش شهر میانی همدان در توسعه منطقه ای" مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، شماره ۱۱.
- ۹- تقوایی، مسعود و رضا مختاری ملک آبادی (۱۳۸۳)، "مدیریت شهری در شهرهای متوسط"، ماهنامه شهرداری‌ها، شماره ۶۱.
- ۱۰- تودارو، مایلیک (۱۳۶۴)، "توسعه اقتصادی در جهان سوم"، جلد اول، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- ۱۱- حاتمی نژاد، حسین و دیگران (۱۳۹۰)، "تحلیل عملکرد فضایی شهر میانی مرند در سطح شهرستان مرند"، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۸، زمستان ۱۳۹۰.

- ۱۲- حسین زاده دلیر، کریم (۱۳۸۰)، "برنامه ریزی ناحیه ای"، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول.
- ۱۳- خستو، مریم و حبیب، فرح (۱۳۹۵)، "رویکردی تحلیلی به تاثیر کالبد شهر بر فرهنگ با تاکید دبر بافت شهری مطالعه موردی: شهر قزوین"، فصلنامه علمی پژوهشی شهر ایرانی اسلامی، سال هفتم، شماره بیست و ششم، زمستان ۱۳۹۵.
- ۱۴- شکویی، حسین (۱۳۷۷)، "دیدگاههای نو در جغرافیای شهری"، تهران: انتشارات سمت، چاپ سوم.
- ۱۵- شکویی، حسین و اشرف السادات باقری (۱۳۷۷)، "کارکرد شهرهای میانی در توسعه ناحیه ای: مورد نجف آباد و خمینی شهر"، مجله مدرس، شماره ۸.
- ۱۶- شکویی، حسین (۱۳۷۹)، "دیدگاههای نو در جغرافیای شهری"، جلد اول، چاپ چهارم.
- ۱۷- فکوهی، ناصر (۱۳۹۶)، "انسان شناسی شهری"، تهران، نشر نی، چاپ یازدهم
- ۱۸- فنی، زهره (۱۳۷۹)، "شهرهای کوچک و توسعه پایدار منطقه ای"، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۴، تهران.
- ۱۹- فتحی (۱۳۸۷)، جزوه شناخت فضای شهر، دانشگاه ملایر، زمستان ۱۳۸۷.
- ۲۰- فیالکوف، یانکل (۱۳۸۳)، "جامعه شناسی شهر"، ترجمه: عبدالحسین نیک گهر، مؤسسه انتشارات آگاه، تهران.
- ۲۱- کامور شلمانی، آمنه و سیمین حناچی (۱۳۹۴)، "بررسی تاثیر عوامل بصری فضاهای شهری بر الگوهای رفتاری شهروندان (مطالعه مورد میدان شهرداری رشت)"، مجله هویت شهر، شماره بیست و چهارم، سال نهم.
- ۲۲- کلانتری، خلیل (۱۳۸۵)، "پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی و اقتصادی"، تهران: فرهنگ صبا.
- ۲۳- مارک هنری، پاول (۱۳۷۴)، "فقر، پیشرفت و توسعه"، ترجمه: مسعود محمدی، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه.
- ۲۴- محمدی خبازان، مجید (۱۳۷۰)، "ویژگی‌های جمعیتی شهرهای متوسط"، سازمان برنامه و بودجه، مجله معماری و شهرسازی، شماره ۱۱ و ۱۲.
- ۲۵- موحد، علی و ماندانا مسعودی راد (۱۳۸۸)، "بررسی نقش و کارکرد شهرهای میانی در توسعه منطقه ای، مطالعه موردی: شهر بروجرد"، فصلنامه جغرافیا و توسعه ناحیه ای، شماره ۱۲.
- ۲۶- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل کشور.
- ۲۷- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵)، گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل کشور.
- ۲۸- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰)، گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل کشور.
- ۲۹- نوابخش، مهرداد (۱۳۸۵)، "بررسی مفهوم شهروندی از دیدگاه جامعه شناسی"، فصلنامه تخصصی جامعه شناسی دانشگاه آشتیان، شماره ۵، صص ۱۱-۳۰.
- ۳۰- نوابخش، مهرداد و اسحق ارجمند سیاه پوش (۱۳۸۸)، "مبانی توسعه پایدار شهری"، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- ۳۱- وبر، ماکس (۱۳۹۳)، "شهر در گذر زمان"، پژوهش و بازگردان: کاویانی، شیوا، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم.
- ۳۲- هودستی، هانیه (۱۳۸۴)، "در جستجوی هویت شهری شهر اصفهان"، وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان ملی زمین و مسکن.